

# شبان

# خدمت رهبری و مکاری

## نوشته آرمان رشدی

نکرد. باید درک کند که هدف و نقشه را «صاحب حصاد» تعیین می‌کند، نه خودش؛ و هدف و نقشه صاحب حصاد این است که افراد تحت رهبری خادم در اتحاد و یکدلی و محبت به شناخت کامل «او» برسند. خادم مسیح باید به چنین نگرشی مجهز باشد، والا توفیقی حاصل نخواهد کرد.

### مدیریت وسیله است نه نگرش

اما خادمی با چنین نگرش و روحیه درستی طبعاً باید از وسایل استفاده کند. عیسی نیز برای شستن پای شاگردان از لگن و حوله و دستهای خود استفاده کرد!

امروزه خادمین برای رفت و آمدهای خود به محل خدمت و ملاقات با مؤمنین از اتومبیل استفاده می‌کنند. آیا استفاده از اتومبیل مغایر با کار روح‌القدس است یا مانع از هدایت آزاد روح‌القدس می‌شود؟ آیا خادمی که رانندگی نمی‌کند و مانند پولس با پای پیاده به محل خدمت می‌رود، روحانی‌تر از خادمی است که رانندگی می‌کند؟ طبعاً نه!

مدیریت نیز اگر صرفاً به‌عنوان وسیله مورد استفاده واقع شود و بر مذهب روح‌القدس قرار گیرد، همچون رانندگی، وسیله‌ای خواهد بود برای خدمت مؤثرتر به مسیح.

حال این سؤال پیش می‌آید که اساساً مدیریت چیست. این سؤالی است کاملاً به‌جا. به‌قول ارسطو، بسیاری از مشکلات ما ناشی از

مغایر و متضاد نیست. آیا نباید گذاشت که روح‌القدس هر طور که می‌خواهد ما را در خدمت هدایت کند؟ آیا استفاده از وسایل انسانی، نظیر دانش و هنر مدیریت مغایر با توکل کامل به خدا نیست؟ آیا به‌کارگیری چنین فنون انسانی مغایر با کتاب‌مقدس نیست؟ آیا با چنین کاری، دانش و فنون انسانی را جایگزین کار فوق‌طبیعی الهی نمی‌سازیم؟

### مهم، نگرش ما به خدمت است

این قبیل سؤالات و تردیدها کاملاً به‌جاست. طبعاً باید مراقب بود که کار خدا را به روش انسانی انجام ندهیم. پولس رسول می‌فرماید: «اسلحه جنگ ما جسمانی نیست...» (اول قرنتیان ۱۰:۴). اما در اینجا باید یک نکته را روشن کنیم، و آن این است که طبق کلام خدا آنچه در خدمت به مسیح مهم است، روحیه و نگرش ما به خدمت است. خادمی ممکن است هنوز درک نکرده باشد که خدمت به مسیح ریاست و اعمال قدرت بر دیگران نیست، بلکه خدمت‌گزاری فروتنانه به آنان است. یا ممکن است درک نکرده باشد که توفیق در خدمت به مسیح وابسته به زیرکی یا «زرنگی» و سایر شگردهای انسانی نیست، بلکه وابسته است به کار و تأثیر و قدرت روح‌القدس. خادم باید درک کند که خدمت‌گزاری است که اربابی را خدمت می‌کند که خدمت به انسان است، نه انسان به انسان.

## خادم و رهبری و مدیریت

خادم کیست؟ پاسخ روشن است: خادم کسی است که خدا را خدمت می‌کند. اما خدمت به خدا یعنی چه؟ آیا این خدمت در خلأ یا در انزوا صورت می‌گیرد؟ اغلب اوقات نه. در اکثر موارد، خادم خدا در خدمت مردم است، خواه مسیحی خواه غیرمسیحی.

در اینصورت، اگر خادم با مردم سر و کار دارد، چه بخواهد و چه نخواهد، در یکی از سطوح مدیریت و رهبری قرار می‌گیرد، خواه رهبر در بالاترین سطح خواه در سطوح میانی و پایین‌تر. طبعاً اکثر خادمین در سطوح مدیریت میانی قرار دارند، یعنی عده‌ای را رهبری می‌کنند، اما خودشان نیز تحت رهبری افراد ارشدتر از خود قرار دارد.

به این ترتیب، خادمین مسیح جز در موارد استثنایی، در سمت رهبری و مدیریت قرار دارند.

حال یک سؤال مهم پیش می‌آید: آیا خادم مسیح باید اصول رهبری و مدیریت را بیاموزد؟ اگر آری، آیا به‌کارگیری اصول مدیریت برخلاف هدایت روح‌القدس نیست؟

### موضوعی بحث‌انگیز

موضوع فراگیری علوم انسانی جهت استفاده در خدمت خدا، ممکن است در ذهن بعضی از خادمین این سؤال را پیش بیاورد که آیا چنین کاری با هدایت آزادانه روح‌القدس

ضعف ما در تعیین معنا و تعریف عبارات و اصطلاحاتی است که به کار می‌بریم. معنا و تعریف مدیریت چیست؟

## تعریف مدیریت

### یک نمونه عملی

اجازه بدهید مدیریت را به ذکر مثالی ساده از زندگی روزمره تعریف کنیم. فرض کنید برای هفته آینده، هشت نفر میهمان برای شام دعوت کرده‌اید. حالا چه می‌کنید؟ برای پذیرایی از میهمانان خود چه گامهایی بر می‌دارید و چه مراحل را طی می‌کنید؟ نخستین کاری که انجام می‌دهید، چیست؟ بعد چه کارهایی می‌کنید؟ پیش از آنکه پاسخ ما را بخوانید، لحظه‌ای مکث کنید و ببینید؟ همه ما بدون استثناء برای تدارک چنین میهمانی‌یی، نخست به نحوی طبق عادت خودمان، «فکر می‌کنیم». اول فکر می‌کنیم که میهمانان ما در چه سطحی قرار دارند و پذیرایی از آنها باید تا چه حد ساده باشد یا مفصل. سپس بر اساس پاسخی که به سؤال بالا می‌دهیم، فکر می‌کنیم که چه نوع خوراکیهایی آماده کنیم و به چه مقدار.

تا این مرحله، همه چیز در «فکر» ما اتفاق می‌افتد. پیش از دست‌به‌کار شدن، همه ما ابتدا به فکر می‌نشینیم. در غیر اینصورت، کار پذیرایی ما قطعاً دچار هرج و مرج خواهد شد. اما پس از فکر کردن و برنامه‌ریزی، به آماده کردن یا خرید موادی می‌پردازیم که در برنامه‌مان قرار دارند. تحقیق می‌کنیم که چه موادی داریم و چه موادی را باید بخریم. در ضمن، اگر می‌بینیم که به تنهایی قادر به انجام همه کارها نیستیم، از کسی کمک می‌خواهیم. در مرحله بعدی به پختن خوراکیها می‌پردازیم. و در مرحله آخر، ترتیب پذیرایی از میهمانان را به‌هنگام ورودشان می‌دهیم.

اما یک کار مهم دیگر هم انجام می‌دهیم؛ و آن این است که در تمام مراحل عملی کار، دائماً توجه داریم که آیا همه چیز مهیا است و کارها طبق برنامه پیش می‌رود یا نه. توجه داریم به این امر که آیا کارها سر موقع انجام می‌شود یا نه. کنترل می‌کنیم که آیا خوراکیها طعم مناسب را گرفته‌اند یا نه. در ضمن، اگر از کسی کمک

می‌گیریم، بر کار او نیز نظارت خواهیم کرد تا اطمینان حاصل کنیم که او نیز کارش را طبق برنامه و به‌درستی و به‌موقع انجام می‌دهد.

### این است مدیریت!

نمونه فوق از زندگی روزمره، بارزترین تعریف مدیریت را به‌دست می‌دهد. در این نمونه عادی که همه ما با نظایرش سر و کار داشته‌ایم، تمام عناصر اساسی و مهم مدیریت و رهبری به کار رفته است.

### تعریف مدیریت

مدیریت را بر حسب حوزه‌های کاربردی آن می‌توان به‌گونه‌های مختلف تعریف کرد. اما از میان این تعاریف، دو مورد زیر بیشتر به کار خادمین مسیحی می‌آید:

● مدیریت یعنی به‌کارگیری و به‌کار گماری منابع مادی و/یا انسانی برای رسیدن به هدفی معین.

● مدیریت یعنی علم و هنر متشکل کردن، هماهنگ نمودن، رهبری، و کنترل فعالیت‌های گروهی، برای نیل به هدف‌های مطلوب با حداکثر کارایی.

بار دیگر تعاریف بالا را بخوانید و در مورد تک‌تک اصطلاحات آن بسیندیشید. در اینصورت، حتماً توجه خواهید کرد که مقصود از مدیریت، رسیدن به یک «هدف» است. برای دستیابی به این هدف که از پیش تعیین شده، فعالیت‌هایی صورت می‌گیرد که عبارتند از به‌کارگیری، به‌کار گماری، متشکل کردن، هماهنگ کردن، رهبری، و کنترل. همه این کارها انجام می‌شود تا رهبر و گروهش به هدفی که تعیین شده، برسند. این هدف و فعالیت‌ها را عناصر مدیریت می‌نامند.

### عناصر مدیریت

صاحب‌نظرات علوم اداری، عناصر مدیریت را چنین تعیین و تعریف کرده‌اند:

● ۱- تعیین هدف. این مهم‌ترین عنصر مدیریت است. هر نوع فعالیت‌هایی که خادم مسیحی انجام می‌دهد، باید در جهت نیل به هدفی خاص باشد. اگر هدف مشخص و واضح نباشد، نه رهبر خواهد دانست برای چه منظوری همه این فعالیت‌ها را انجام می‌دهد، و

نه اعضای گروهش.

● ۲- برنامه‌ریزی: برای رسیدن به هدف باید گامهایی برداشته شود و کارهایی تحقق یابد. نحوه انجام این کارها و امکانات و منابع مادی و مالی و انسانی موجود نیز باید تعیین شود. پیش از شروع به عمل، باید نسخهت برنامه فعالیت‌های لازم جهت نیل به هدف مشخص شود.

● ۳- سازماندهی (ایجاد تشکیلات): برای تحقق برنامه تعیین شده، باید سازمانی به‌وجود آید. منظور از سازمان، ساختمان و میز و صندلی نیست. باید مشخص شود چه دسته از کارها توسط چه کس یا کسانی انجام می‌شود، و وظیفه هر فرد در گروه چیست و روابط افراد با هم چگونه است و اینکه چه کسی از چه مقامی فرمانبری می‌کند.

● ۴- رهبری: دادن انگیزش به افراد برای اجرای کار و ایجاد هماهنگی میان فعالیت‌های مختلف جهت نیل به آن هدف خاص را رهبری می‌نامند.

● ۵- کنترل و نظارت: کارها در هر مرحله از اجرای آن، باید مورد ارزیابی قرار گیرد. بدون چنین کنترلی، مدیر نخواهد دانست که آیا کارها طبق برنامه و در جهت هدف پیشرفت می‌کند یا نه.

### خادم و مدیریت و کتابمقدس

با چنین تعریفی، آیا می‌توان گفت که مدیریت روحانی است یا نه؟ گمان نمی‌رود. آنچه می‌تواند روحانی باشد یا نباشد، خادم است، نه وسایل آن. البته منظور ما این نیست که خادم روحانی می‌تواند و مجاز از «هر» وسیله‌ای استفاده کند. اصلاً و مجاز است از آنچه که خداوند در نهاد بشر به ودیعت گذارده و مطابق با عقل سلیم نیز می‌باشد، برای خدمت به اربابش استفاده کند.

تعاریف فوق و عناصری که برشمردیم، زائیده تفکرات و تخیلات بشر یا پژوهشهای صرف او نیست. اینها را همگی در نحوه عمل مردان خدا که در سمت رهبری قرار داشتند، مشاهده می‌کنیم. در شماره بعدی مجله، ضمن اشاره به زندگی چنین افرادی از کتابمقدس، بحث در بزرگی اهمیت مدیریت در خدمت خادم را ادامه خواهیم داد. ■